

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی

دوره ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۳، صفحات: ۲۷-۶۴

منتشر شده در بهار ۱۳۹۱

مقاله داوری شده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۵

بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل احمد

سید حسن حسینی

استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

hosseini_1332@yahoo.com

منصوره دشتی

دانشجوی کارشناسی ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس

mdashti_utm@yahoo.com

(نویسنده مسئول)



مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی

مجله دانشگاهی الکترونیکی در حوزه ارتباطات و رسانه

منتشر شده توسط دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

www.gmj.ut.ac.ir

چکیده

مرد یا زن بودن، تصورات و پیش فرض‌هایی را به دنبال دارد که در فرهنگ هر جامعه‌ای تا حدودی متفاوت است. این تصورات، کلیشه‌های جنسیتی نامیده می‌شود که کمابیش در هر جامعه‌ای وجود دارد. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند و قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند. کلیشه‌ها در درون فرهنگ جوامع و به همراه دیگر عناصر فرهنگی از طریق نهادهای اجتماعی مانند خانواده، رسانه‌های گروهی، گروه همسالان و نظام آموزش در طی نسل‌های متمادی بازتولید می‌شوند. رسانه‌های همگانی در کنار خانواده و آموزش و پرورش، از جمله عوامل جامعه‌پذیر کردن افراد یک جامعه هستند. آنچه رسانه‌ها به نمایش می‌گذارند هم برگرفته از فرهنگ جامعه است و هم تأثیرگذار بر آن. در این میان کتاب یکی از رسانه‌های همگانی است که از طریق انعکاس هنجارها، ارزش‌ها و تفکرات موجود در جامعه، به بازتولید فرهنگ جامعه می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی کلیشه‌های جنسیتی موجود در ادبیات داستانی آل احمد می‌باشد. بدین منظور تمام آثار داستانی آل احمد مورد بررسی قرار گرفت. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوا می‌باشد. یافته‌ها نشان از وجود کلیشه‌های جنسیتی (پر حرفی، خرافاتی، هیجانی و انفعال برای زنان و پرخاشگری و عصبانیت و سلطه‌گر بودن برای مردان) در داستان‌های آل احمد بوده و در این میان کلیشه‌های زنانه برجسته‌تر و از نظر تعداد سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه ها: کلیشه‌های جنسیتی، زنانه، مردانه، تحلیل محتوا، آل احمد

مقدمه

بزرگترین گروه‌بندی در هر جامعه‌ای، تقسیم افراد جامعه به دو گروه زن و مرد است. زن و مرد بابت متمایز بودن در ساختار بدنی خود، دو گروه مجزا را در جامعه‌ی انسانی تشکیل می‌دهند. این گروه‌بندی به دنبال خود کلیشه‌های جنسیتی را به همراه دارد. کلیشه‌ها در واقع تصوراتی هستند کلی و بی‌انعطاف که در ذهن انسان جای می‌گیرند و در قضاوت‌ها مورد استفاده واقع می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۴۸، ص. ۱۱۱)، بی‌هیچ تغییری تکرار و باز تولید می‌شوند و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز هستند (میشل^۱، ۱۳۷۶، ص. ۲۴). بنابراین کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ی سازمان یافته‌ای از باورها درباره‌ی زنان و مردان است. کلیشه‌های جنسیتی دربرگیرنده‌ی اطلاعات درباره‌ی ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است (گولومبوک و فی‌وش^۲، ۱۳۸۴، ص. ۲۸).

کلیشه‌ها یا تصورات قالبی خبر از تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد می‌دهند ولی غالباً این کلیشه‌ها هیچ‌گونه اساسی در رفتار واقعی ندارند. با وجود این، کلیشه‌های تعیین شده که فرهنگ القا می‌کند، خصوصیات هستند که از نظرگاه اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به حساب می‌آیند. افرادی که از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی انحراف زیادی دارند، به نظر منفی می‌آیند.

یکی از نکات قطعی درباره‌ی خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌های جنسیتی آن است که برای صفاتی که به مردان منسوب می‌شود بیش از صفاتی که به زنان نسبت می‌دهند، اهمیت قائل شده‌اند. قدرت، استقلال و تمایل به خطر پذیری در برابر ضعف، زودباوری و تأثیرپذیری غالباً مثبت‌تر تلقی می‌شود. این تفاوت در ارزش‌هایی که با صفات مردانه و زنانه تداعی شده است، ممکن است تا حد زیادی به نوع برجستگی مربوط باشد که به برخی خصوصیات زده شده است (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴، صص. ۲۶-۲۸).

ضرورت و اهمیت شناخت کلیشه‌های جنسیتی و بررسی آن‌ها در جامعه به دلیل اثرات زیان‌آور کلیشه‌ها است. از جمله مهم‌ترین اثرات زیان‌آور کلیشه‌های جنسیتی می‌توان به این مسئله اشاره کرد که کلیشه‌های جنسیتی به عامل تبعیض میان جنس‌ها بدل می‌شوند. کلیشه‌های جنسیتی هم بر مردان و هم بر زنان، تأثیری منفی می‌گذارند؛ اگر چه تأثیر منفی آن‌ها بر زنان بیشتر است زیرا آنان در این کلیشه‌ها به صورت

جنس ضعیف و فرودست مطرح می‌شوند. در واقع این کلیشه‌ها زنان را به عنوان انسان‌هایی برخوردار از حقوق کامل به رسمیت نمی‌شناسند، از برقراری روابط هماهنگ و برابر میان افراد دو جنس و از شرکت کامل زنان در پیشرفت جامعه‌ی خود جلوگیری می‌کنند و بدین ترتیب زنان را از شکوفایی تمام توانایی‌های انسانی خود باز می‌دارند. از طرفی دیگر کلیشه‌های جنسیتی مردان را از شکوفایی همه جانبه‌ی احساسات و انسانیتشان باز می‌دارند و باعث می‌شوند که هر چه بیشتر به سمت خشونت، رقابت، پرخاشگری، بی‌اعتنایی و بی‌احساسی پیش روند (میشل، ۱۳۷۶، ص. ۳۵).

در اینجا این نکته مهم به نظر می‌رسد که کلیشه‌های جنسیتی به طور دائم در جامعه بازتولید می‌شوند. بر اساس نظریه‌ی جامعه‌پذیری، درون‌مایه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق نهادهای مختلف مثل خانواده، مدرسه و نظام آموزش، رسانه‌های همگانی و گروه همسالان منتقل می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیت یکی از ابعاد جامعه‌پذیری می‌باشد، بنابراین آموزه‌های مرتبط با جنسیت نیز از طریق همین نهادها انتقال پیدا می‌کند.

در میان نهادهای جامعه‌پذیر کننده، رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای مهم اجتماعی‌سازی در دنیای مدرن با بازنمایی الگوهای هنجاری حاکم بر زندگی اجتماعی در قالب اجراهای نمایش‌گونه، عملاً نقش برساننده و بازتولیدکننده کلیشه‌های جنسیتی را در زندگی اجتماعی امروز بر عهده می‌گیرند و بدین ترتیب می‌توان از آن‌ها به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند برای بازنمایی و نیز برساخت کلیشه‌های جنسیتی سخن به میان آورد. رسانه‌های جمعی با ارائه تصویری خاص از مناسبات و روابط میان دو جنس، می‌توانند نقش مهمی در نهادینه شدن چارچوب معنایی آن تصویر خاص داشته باشند، بنابراین ضرورت می‌یابد کلیشه‌های جنسیتی در رسانه‌های جمعی مورد تحلیل قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جمعی شناخته شده کتاب است. هدف این مقاله، بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات داستانی آل احمد می‌باشد. سؤالات این تحقیق عبارتند از: ۱. آیا کلیشه‌های جنسیتی در داستان‌های آل احمد وجود دارد؟ ۲. در صورت وجود کلیشه‌ها، مصادیق و نوع آن‌ها کدامند؟

پیشینه موضوع

مطالعات متعددی رواج کلیشه‌های جنسیتی را به تصویر کشیده‌اند. مطالعات انجام شده در ایران نشان داده است که کودکان بین سنین چهار تا شش سال صفات منسوب به دختر و پسر به شیوه‌ی معناداری استقرار می‌یابد. در مطالعه‌ای راجع به انتظارات، نگرش‌ها و رفتار والدین و مربیان در مورد کودکان پیش دبستانی، این نتیجه به دست آمد که ۸۸ درصد از مادران ایرانی از دو سالگی دختر را به مراتب کمتر از پسر به استقلال، خودکفایی و پیشرفت تشویق می‌کنند و مطابق این نگرش که نقش دختر در آینده عمدتاً نقش مادری و همسری است، خصوصیاتِ چون همکاری با دیگران، حساس بودن به نیازهای دیگران و قبول مسئولیت نسبت به دیگران را در او تقویت می‌کنند (ناجی‌راد، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۰). در پژوهشی راجع به طرحواره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در بین دانشجویان دختر، معلوم گردید که تفاوت بین طرحواره‌های ذهنی زنانه و مردانه در بین دختران دانشجو معنادار است و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانشجویان با نقش‌های جنسیتی آن‌ها رابطه دارد (خمسه، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۵). در پژوهشی دیگر، با هدف مطالعه گرایش پسران دانش‌آموز مقطع متوسطه به ارزش‌های مردانه و کلیشه‌های جنسیتی، مشخص گردید که تفاوت‌هایی در زمینه‌ی گرایش به ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی در میان آن‌ها وجود داشته و پسرانی که نمرات بالاتری در مقیاس مردانگی کسب نموده‌اند، گرایش بیشتری به ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی مردانه داشته‌اند (ذکایی و میرزایی، ۱۳۸۴، ص. ۷۰). هم‌چنین پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه‌های ایران نشان می‌دهد که نمایش مردان و زنان در آگهی‌های تلویزیونی در راستای نقش‌های سنتی است (حقیقی‌نسب و هدایتی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳). در سریال‌های تلویزیونی، زنان و مردان به صورت زنان و مردان سنتی کلیشه‌ای به نمایش در می‌آیند، بدین ترتیب که زنان موجوداتی فریبکار، ناقص‌العقل، بی‌وفا، منفعل و فرو دست و در مقابل مردان موجوداتی صادق، عاقل، وفادار، فعال و فرادست تصویرسازی شده‌اند (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۹)؛ و فیلم‌های سینمایی ایرانی نیز از طریق مناسکی کردن فرمانبری و کم ارزش جلوه دادن زنان نسبت به مردان، برتری یک جنس بر جنس دیگر را به نمایش می‌گذارند و ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی سنتی را تأیید و تثبیت می‌کنند و این همه

غالباً از طریق اجرای مناسک فرودستی و فرادستی در کنش متقابل بازیگران زن و مرد در فیلم‌ها رخ می‌دهد (سلطانی گردفرامری، ۱۳۸۵، ص. ۶۱).

علاوه بر پژوهش‌های انجام شده در ایران، مطالعات زیادی نیز در زمینه‌ی کلیشه‌های جنسیتی در کشورهای دیگر انجام شده است. ویلیامز و بست ۳ در سال ۱۹۸۲ با مطالعه‌ای که در ۳۰ کشور وسیع جهان انجام دادند، عقاید قالبی مربوط به جنسیت را در نمونه‌ها سنجیدند. آن‌ها از آزمودنی‌های خود خواستند تا با نشان دادن این که کدام یک از ۳۰۰ ویژگی بسیار معمول زن و مرد را بهتر شرح می‌دهند، چهره‌ی خاص «زن» و «مرد» را توصیف کنند.

نتایج نشان داد که صفات عاطفی، قدردان، ضعیف، پرحرف، بی‌ثبات و بی‌فکر، نجیب، سبکسر، عیبجو و وسواسی، شکوه‌گر، جذاب و دلربا، مهربان، وابسته و مطیع، حساس و احساساتی به زنان نسبت داده شده و صفات پرقدرت، خشن، تجاوزگر، شجاع، مستقل، بی‌نظم، جاه‌طلب، سرخوش، غیر عاطفی و مستحکم، مغرور، زمخت، واقع‌گرا، معقول و منطقی و قوی به مردان نسبت داده شده است (ویلیامز و بست، ۱۹۸۲، ص. ۲۰۹). در پژوهش دیگری که فورسیث ۴ در سال ۱۹۹۴ در ۲۵ کشور دنیا انجام داده است، صفات عاطفی، همدرد، مهربان، پرحرف، جذاب، آرام، سپاس‌گذار، خیال پرداز، جنجالی، زودرنج، هیجانی، صمیمی، فرمانبردار، شاد و دمدمی مزاج برای زنان و صفات سخاوتمند، با دل و جرات، فرصت طلب، معقول، منطقی، خود محور، دارای اعتماد به نفس، شجاع، رازدار، مغرور، مستقل، نیرومند، غالب، ماجراجو و پرخاشگر برای مردان به دست آمده است.

مطالعات متعددی که در زمینه‌ی کلیشه‌های جنسیتی و مقولات مرتبط با آن در کشورهای مختلف انجام شده است، نشان دهنده‌ی این است که دغدغه خیلی از جوامع بوده و آن‌ها به دنبال راه‌حل و یا سیاست‌هایی هستند تا بتوان رویکرد و نگرشی نوین را در این زمینه به وجود آورد و این به دلیل اثرات زیانباری است که این کلیشه‌ها به دنبال خود دارند، از جمله تبعیض علیه زنان و انتظارات بیش از حد از مردان. این در حالی است که کلیشه‌های جنسیتی با وجود اثرات زیان‌بار در جامعه بازتولید و بر ساخت می‌شوند.

شناخت نهادهایی که به بازتولید و برساخت کلیشه های جنسیتی در جامعه می پردازند و همچنین بازنمایی کلیشه های جنسیتی در آن نهادها، امر مهمی است؛ چرا که می تواند از ادامه این روند در آینده جلوگیری کرده و افراد جامعه را از وجود کلیشه های جنسیتی آگاه کند. یکی از نهادهایی که به بازتولید کلیشه های جنسیتی می پردازد، رسانه های همگانی است. همان گونه که بیان شد تاکنون به بررسی و بازنمایی کلیشه های جنسیتی در رسانه های همگانی و به طور خاص در تلویزیون، سینما و روزنامه پرداخته شده است اما در رابطه با بازنمایی کلیشه های جنسیتی در کتاب، تحقیقی در ایران صورت نگرفته است. می توان گفت پژوهش حاضر، در تکمیل و ادامه مطالعات صورت گرفته در زمینه کلیشه های جنسیتی در رسانه های همگانی می باشد.

مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق در سه بخش بررسی می شود: نظریه های مربوط به کلیشه های جنسیتی (طرحواره جنسیتی و جامعه پذیری جنسیت)، نظریه مربوط به رسانه (بازنمایی) و نظریه مربوط به رسانه و کلیشه های جنسیتی.

نظریه طرحواره جنسیتی^۵

طرحواره مفهومی در روان شناسی شناختی است، شاخه ای از روان شناسی که به بررسی این نکته می پردازد که ما چگونه می اندیشیم، درک و پردازش می کنیم و چگونه اطلاعات را به یاد می آوریم. طرحواره چارچوب شناخت عامی است که فرد درباره ی یک موضوع خاص دارد. ادراک و حافظه ی فرد از اطلاعات نتیجه ی تعامل اطلاعات وارد شده با طرحواره ی از پیش موجود در آن فرد است (شیلی هاید، ۱۳۸۷، ص. ۹۲). به طور خلاصه می توان گفت، طرحواره مجموعه ای سازمان یافته از دانش است (گولومبوک و فیوش، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۹).

ساندرا بم^۷ روان شناس (۱۹۸۱) نظریه ی طرحواره را در نظریه ی طرحواره ی جنسیتی خود به کار گرفت. طرح او این است که هر یک از ما به عنوان بخشی از ساختار دانش خود، طرحواره ی جنسیتی یا مجموعه ای از تداعی های مرتبط با جنسیت داریم. بنابراین، طرحواره ی جنسیتی آمادگی یا زمینه ی اصلی را برای

پردازش اطلاعات بر اساس جنسیت عرضه می‌کند. یعنی طرحواره‌ی جنسیتی گرایش ما را نسبت به این که بسیاری از امور را به عنوان امور مرتبط با جنسیت بینیم و بخواهیم آن‌ها را بر اساس جنسیت طبقه‌بندی کنیم، بازنمایی می‌کند.

بم فرض می‌کند که افراد مختلف، تا حدی طرحواره‌های جنسیتی مختلف، دارند. محتوای طرحواره‌ها از فردی به فرد دیگر تغییر می‌کند، این تغییر محتوا شاید نتیجه‌ی انواع اطلاعات جنسیتی است که فرد در خانواده‌ی خود در سراسر کودکی با آن مواجه شده است (شیبلی هاید، ۱۳۸۷، صص. ۹۲-۹۴).

نظریه جامعه‌پذیری جنسیت^۸

از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد (الکین و هندل، ۱۹۷۲، ص. ۴). جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند. مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که تقریباً در اکثر جوامع امروزی، با تکیه بر ارجح دانستن جنس مذکر، جامعه‌پذیری بر اساس جنس افراد شکل می‌گیرد (ابوت و والاس^۹، ۱۳۸۰، ص. ۲۸۸).

نهادهای جامعه‌پذیرکننده که در هر جامعه‌ای وظیفه‌ی جامعه‌پذیر کردن افراد را به عهده دارند عبارتند از: خانواده، آموزش و مدرسه، روابط گروه همسالان و رسانه‌های جمعی (گیدنز^{۱۰}، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۳).

جامعه‌پذیری جنسیتی یا جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی یکی از ابعاد و یا می‌توان گفت از زیر مجموعه‌های جامعه‌پذیری می‌باشد که ما در اینجا به دلیل ارتباط نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی با کلیشه‌های جنسیتی به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم. جامعه‌پذیری جنسیتی، آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله‌ی آن نه تنها کودکان تبدیل به موجودات اجتماعی می‌شوند، بلکه به افرادی با ویژگی‌های مردانه یا زنانه تبدیل می‌گردند. در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن، دربردارنده‌ی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان، شایسته و مناسب می‌باشد (استانلی و وایز^{۱۱}، ۲۰۰۲، ص. ۲۷۳).

جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و به عوامل دیگری چون نظام آموزشی، گروه همسالان و رسانه‌های همگانی بسط می‌یابد (هومین‌فر، ۱۳۸۲، ص. ۹۴). گرچه جامعه‌شناسان در اهمیت خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در اجتماعی کردن اعضای جامعه متفق‌القولند، اما بسیاری از آن‌ها بر این باورند که خانواده دارای اهمیت اساسی در جامعه‌پذیر کردن افراد می‌باشد. کودکان که به طور دائم والدین‌شان را در هنگام اجرای نقش‌های جنسیتی روزانه‌شان می‌بینند، اگر ببینند که مادرشان اغلب در داخل منزل به سر برده و پدران‌شان در خارج از منزل به کار اشتغال دارند، مادران‌شان نسبت به پدران‌شان وقت بیشتری را برای آشپزی، نظافت و سایر کارهای خانه‌داری اختصاص می‌دهند، طبیعی است که این کودکان نقش‌های مذکور را به عنوان شیوه‌های عادی و پذیرفته شده برای رفتار مردان و زنان تلقی کرده و آن‌ها را بپذیرند (براون^{۱۲}، ۱۹۹۲، ص. ۸۶).

آموزش در مدارس فرایندی رسمی است، برنامه‌ی درس‌هایی که دختران و پسران باید فراگیرند، مشخص است. اما از جنبه‌های ظریف‌تر، نظام آموزشی، در حکم عامل جامعه‌پذیری افراد، برنامه‌های آموزشی پنهانی را در خود نهفته دارد که مطابق با آن‌ها کودکان را تربیت می‌کند.

یکی دیگر از عوامل جامعه‌پذیری، گروه همسالان است؛ یعنی گروه‌های دوست که تقریباً هم‌سن هستند. گروه همسالان نیز در جامعه‌ی سنتی از سن معینی به بعد به لحاظ جنس تفکیک می‌شوند. این مسئله از دو بعد قابل توجه است. نخست آن‌که بر اثر این جدایی، گروه‌های همسال مطابق با جنس خود نقش‌ها و بازی‌های خاصی را دنبال می‌کنند که خود در نحوه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی نقش مهمی دارند. دیگر آنکه اعضای گروه همسال در فضای آزادتری با هم‌جنس‌های خود مجال گفت‌وگو، بحث و نقد مسائل را پیدا می‌کنند.

رسانه‌های همگانی، در انتقال انتظارات اجتماعی وابسته به نقش‌های گوناگون، تأثیر گسترده‌ای دارند. روزنامه، کتاب، مجله، تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت و مانند این‌ها، هر کدام به نحوی در انتقال پیام‌ها، ایدئولوژی‌ها یا واقعیت‌های اجتماعی نقشی بر عهده دارند. در بیش‌تر این رسانه‌ها، زنان باید به شیوه‌ای زنانه و مردان به شیوه‌ای مردانه رفتار کنند. رسانه‌های همگانی، با نفوذ ویژه‌ی خود در بین مخاطبان که گاه در

آنان به صورت کاملاً ناخودآگاه است، تأثیرات خود را بر جامعه‌پذیری افراد نهادینه می‌کنند (گرت^۳، ۱۳۸۰، صص. ۹۴-۹۶).

نظریه بازنمایی

مفهوم بازنمایی در مطالعات رسانه‌ای جنبه محوری دارد. این مفهوم با تلاش‌هایی که برای ترسیم واقعیت صورت می‌گیرد، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. بازنمایی را «تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و زبان» تعریف می‌کنند.

استوارت هال^{۱۴} با دیدی مشابه رابطه بین سیاست و بازنمایی را مورد بحث قرار می‌دهد و معتقد است که موضوعات معانی ثابت ندارند ولی به هر جهت معانی توسط انسان‌ها ساخته می‌شود. بازنمایی فرایندی است که طی آن برخی امور نمایانده می‌شوند در حالی که بسیاری از امور مسکوت می‌مانند. در واقع آنچه بازنمایی می‌شود احتمالاً با منافع عده‌ایی خاص گره خورده است. علاوه بر آن در مکتب گلاسو نیز سعی شده است با تفکیک بازنمایی مثبت از منفی، نوع نگاه درباره موضوع مورد نظر را از هم متمایز کرده و به پیش‌داوری‌های ارائه شده جهت بخشند (رضایی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۵).

بنابر نظر هال نظام بازنمایی نه فقط از مفاهیم منفرد، بلکه از شیوه‌های متفاوت سازمان‌دهی، خوشه‌بندی، مرتب کردن و طبقه‌بندی مفاهیم و روابط پیچیده‌ای تشکیل شده که میان آن‌ها برقرار می‌شود (هال، ۱۹۷۲، ص. ۵۹). در واقع، این نظام مبتنی بر قواعد کلی مشابه و متفاوت برای برقرار کردن روابط میان مفاهیم و تمایزبایی‌شان از یکدیگر است (هال، ۲۰۰۳، ص. ۱۱۶). افزون بر این، هال یادآور می‌شود که متون با توجه به گفتمان حاکم بر جامعه رمزگذاری می‌شوند. جان فیسک نیز در کتاب فرهنگ تلویزیون (۱۹۹۴) گفتمان را نوعی زبان یا نظام بازنمایی می‌داند که از زمینه اجتماعی برآمده تا مجموعه‌ی منسجمی از معانی را درباره‌ی حوزه‌ی موضوعی معینی به وجود آورد و اشاعه دهد.

نظریه رسانه و کلیشه‌های جنسیتی

از لحاظ نظری، رسانه‌ها به عنوان یکی از چند عامل اجتماعی کننده، نباید در فرآیند اجتماعی کردن، مسئولیت یا قدرتی بیشتر یا کمتر از دیگر عوامل اجتماعی کننده داشته باشند. اما برخی عوامل ویژه‌ی

ساختار و نیازهای درون سازمانی رسانه‌ها سبب شده تا برخی نظریه‌پردازان نابرابری جنسی بگویند رسانه‌های گروهی قادرند در فرآیند اجتماعی کردن، نقش محافظه‌کارانه‌ی ویژه‌ای داشته، موجب تقویت ارزش‌ها و باورهای سنتی گردند. این عوامل عبارتند از: ترکیب نیروی کار در رسانه‌ها که تقریباً در تمام کشورها اکثراً از مردان تشکیل شده و این اکثریت در حیطه‌های پرنفوذ مدیریت و تولید بیشتر است. نکته‌ی دیگر اتکای بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای به حمایت تجاری است (جلب مخاطب بیشتر)، که این امر باعث می‌شود آن‌ها به مفاهیم و تصاویر شناخته شده بپردازند. سوم آنکه معمولاً انتظار می‌رود رسانه‌های گروهی - اعم از برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و فیلم - تأثیری سریع و روشن داشته؛ به سرعت و به آسانی، توسط مخاطبان جذب شود؛ در محصولات این رسانه‌ها به وفور از شخصیت‌پردازی ساده، قابل تشخیص و یکدست استفاده می‌شود. بدین دلیل، برخی مفسران بر این باورند که رسانه‌ها نوعی واقعیت اجتماعی را نشان می‌دهند که از محافظه‌کارترین نیروهای اجتماعی تغذیه کرده، گرایش‌های تازه را تا زمانی که تثبیت نشده‌اند، نادیده می‌گیرد و از همین‌رو، عمدتاً تقویت‌کننده فرهنگند و نه تغییر دهنده‌ی آن. یک نمونه از این موضوع، «شخصیت‌های استاندارد شده» یا کلیشه‌ای است که در بسیاری از محصولات رسانه‌ها، زنان و مردان با استفاده از آن‌ها توصیف می‌شوند (گالاگر، ۱۳۸۰، صص. ۱۴۵-۱۴۳).

گالاگر ۱۵ نظریه‌ی خود را درباره رسانه و کلیشه‌های جنسیتی چنین بیان می‌کند: «می‌توان گفت تفاوت نقشی که در رسانه‌ها بین تصویر زن و مرد ارائه می‌شود، در واقع تفاوت برخاسته از تفکرات قالبی جامعه است. از رسانه‌ها نمی‌توان انتظاری جز تأیید و همراهی با هنجارهای جامعه را داشت. بنابراین زنان و مردان در رسانه در نقش‌های قالبی خود نشان داده می‌شوند و رسانه در واقع به صورت بالقوه در تقابل با اصلاحات در تفکرات قالبی عمل می‌کند» (گالاگر، ۱۹۸۱، ص. ۹۵).

بائر ۱۶ در نظریه‌ی خود درباره‌ی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه، معتقد است باید پا را فراتر از مدل رسانه‌ای تک جهتی و تقلیل‌گرایانه گذاشت و رابطه‌ی بین مردم و رسانه را رابطه‌ای علت و معلولی، مستقیم و یک جانبه ندانست. از نظر او این تنها رسانه‌ها نیستند که ماهیت زنان را تعیین می‌کنند، زنان در خارج از

چارچوب رسانه‌ها نیز ساخته می‌شوند و این کم اهمیت بودن نقش آن‌ها در فرهنگ به طور عام و در رسانه به طور خاص است که به موقعیت فروتر آن‌ها در جامعه می‌انجامد (استریناتی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۲).

چارچوب بندی نظری پژوهش براساس سه نظریه

با توجه به مفاهیم و نظریات مطرح شده می‌توان به یک چهارچوب نظری تلفیقی رسید. ساخت ذهنی ما ناشی از وضعیت فرهنگی جامعه‌ای است که در آن متولد شده‌ایم. این ساخت ذهنی که تحت عنوان طرحواره‌ها در نظریه طرحواره جنسیتی مطرح شد، متأثر از فرهنگ جامعه، محیط خانوادگی، مدرسه و رسانه می‌باشد. طرحواره‌های مختلفی در جامعه وجود دارد، آنچه که در اینجا برای ما مهم است، طرحواره‌های جنسیتی است که زمینه‌ی اصلی را برای پردازش اطلاعات بر اساس جنسیت عرضه می‌کنند. این طرحواره‌ها در نهایت منجر به ایجاد کلیشه‌های جنسیتی در جامعه می‌شود. این طرحواره‌ها را که مجموعه‌ای سازمان‌یافته از دانش جنسیتی است، فرد به صورت تدریجی و طی فرایند جامعه‌پذیری از دوران کودکی یاد می‌گیرد. بر طبق نظریه جامعه‌پذیری، نهادهای مختلفی چون خانواده، آموزش، گروه همسالان و رسانه‌های همگانی افراد را جامعه‌پذیر می‌کند.

رسانه‌های جمعی (همگانی) یکی از این نهادهاست که بر اساس نظریه بازنمایی به ارائه تصویری از جامعه و روابط اجتماعی و از جمله کلیشه‌های جنسیتی می‌پردازد که با مجموعه‌ای از رمزهای اجتماعی، رمزگذاری شده است. در این پژوهش به بررسی رمزگان‌های اجتماعی که در قالب کلمات و جملات، رفتارها و عکس‌العمل‌ها وجود دارد، پرداخته شده است.

هم‌چنین رسانه به عنوان یک سیستم محافظه‌کار در جامعه سعی در تثبیت آنچه وجود داشته است، دارد و از نمایش تغییرات تا زمانی که به عنوان یک عامل پایدار تثبیت نشده باشند، خودداری می‌کند. بنابراین می‌توان گفت رسانه در تأیید هنجارهای جامعه و به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه، کلیشه‌های جنسیتی را از جامعه گرفته و با نمایش دادن آن، به بازتولید آن‌ها و تثبیت بیشتر آن در فرهنگ می‌پردازد. یکی از رسانه‌های جمعی شناخته شده، کتاب می‌باشد که در این پژوهش به بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های داستان آل احمد پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر تحلیل محتواست. روش تحلیل محتوا به کارگیری روش های علمی برای بررسی محتوی مدارک اسنادی است (هولستی^{۱۷}، ۱۳۸۰، ص. ۲۰). به عبارت دیگر، تحلیل محتوا یکی از روش های کلاسیک تحلیل داده های متنی است بی آن که به این توجه داشته باشد که از کجا آمده اند. و در مورد محصولات رسانه ای تا داده های مصاحبه ای کاربرد دارد. یکی از ویژگی های برجسته ی این روش استفاده از مقوله هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده اند؛ مقوله ها روی داده ها اعمال می شوند. مقوله ها ضرورتاً بر اساس این داده ها تدوین نشده اند. البته این مقولات بارها بر اساس داده ها ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح می شوند. نکته ی مهم در این روش این است که در این جا بر خلاف سایر رویکردها هدف تقلیل داده ها است (فلیک^{۱۸}، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۷).

از ویژگی های دیگر تحلیل محتوا، عینیت، انتظام و عمومیت است. می توان از دو نوع تحلیل محتوا نام برد: تحلیل محتوای کمی و تحلیل محتوی کیفی (هولستی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶). برای این پژوهش محقق از روشی ترکیبی یعنی تحلیل محتوای کمی و کیفی بهره برده است.

در این پژوهش ابتدا به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که آیا کلیشه های جنسیتی در کتاب های داستان آل احمد وجود دارد یا خیر؟ بعد از پاسخ گویی به این سؤال، در صورتی که داده ها نشان دهنده ی وجود کلیشه های جنسیتی در داستان های آل احمد باشد، کلیشه های جنسیتی که بر اساس فراوانی آنها در تحقیقات خارجی و مبانی نظری انتخاب و تعیین شده است، مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین همان طور که در توضیح روش تحلیل محتوا بیان شد، از مقوله هایی استفاده می شود که از الگوهای نظری و هم چنین تحقیقات پیشین اخذ شده است.

بعد از بررسی کلیشه های جنسیتی داستان های آل احمد از طریق تحلیل محتوی کیفی، به تحلیل داده ها پرداخته شد. جامعه ی آماری مورد نظر تمام داستان های جلال آل احمد بوده که شامل هشت داستان است که عبارت اند از: پنج داستان، دید و بازدید عید، زن زیادی، سرگذشت کندوها، سه تار، مدیر مدرسه، نفرین زمین و نون و القلم.

تحقیقات به عمل آمده، شاخص‌ها و ویژگی‌های تقریباً مشابهی را در جوامع مختلف نشان می‌دهد که به زنان و مردان نسبت داده می‌شود، که فهرستی از آن‌ها در بخش پیشینه ذکر شد. به منظور بررسی کلیشه‌های جنسیتی در آثار داستانی آل احمد به تعیین شاخصه‌ها و کلیشه‌هایی که در اکثر تحقیقات انجام شده در خارج که هر کدام ۲۵ و یا ۳۰ کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند، ثابت شده و بیشترین فراوانی و اهمیت را در تحقیقات خارجی به خود اختصاص داده، پرداخته و هم چنین با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده در ایران، در نهایت شاخصه‌های زیر انتخاب شد.

- کلیشه‌های زنانه: سلطه پذیر، خرافاتی، عاطفی، مهربان و دلسوز، کنجکاو (فضول)، منفعل، ترسو، خیالباف (رویایی)، هیجانی، مضطرب (نگران)، جذاب و دلربا، پرحرف، حساس و نقش‌های وابسته به همسر و خانواده.

- کلیشه‌های مردانه: فعال، حادثه‌جو، سلطه‌گر (زورگو)، مستقل، نیرومند، شجاع، جسور، قوی، معقول، خود محور، با اعتماد به نفس، مغرور، پرخاشگر، عصبانی و خشن، غالب (فراستنی) و نقش‌های تکیه گاه و نان‌آور خانواده

یافته‌های تحقیق

با بررسی داستان‌های آل احمد مشخص می‌شود که کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های این نویسنده وجود دارد. کلیشه‌های جنسیتی یافت شده در متون مورد مطالعه‌ی این تحقیق از آثار جلال آل احمد به صورت تفکیک شده، همراه با مصادیق و منبع کتاب به دنبال آمده‌اند.

الف - کلیشه‌های زنانه

۱ - نقش‌های وابسته به همسر و خانواده

جدول ۱: مصادیق کلیشه نقش‌های وابسته به همسر و خانواده

ردیف	مصادیق	منبع
۱	پایین را که نگاه کردم، خانه‌هایی کاهگلی بود و زنی داشت روی بام خانه‌ی دوم رخت پهن می‌کرد.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۰)
۲	خواهرم زیر پایه‌ی کرسی جای مادرم نشسته بود و داشت با جوراب پاره‌های مادرم عروسک درست می‌کرد.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۹)
۳	... و مادرم همان وقت این فکر به کله‌اش زد. به پاچه‌های شلوارم از تو دکمه‌ی قابلمه‌ای	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۴)

ردیف	مصادیق	منبع
	دوخت و مادگی آن را هم دوخت به بالای شلوارم و ...	
۴	زنش خانهای ما رختشویی می کرد.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۴۲)
۵	(مادرم) این یک ماهه ی آخر یک پایش توی مطبخ بود، آن دیگرش پای تخت خواهرم.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۴۵)
۶	حتما هیچ کس بهتر از مادرم ته دیگ درست نمی کرد.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۵۹)
۷	مادرم روی چهار پایه ی کوتاهش پای اجاق نشسته بود...	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۶۴)
۸	هنوز ناخن هایش کلفت بود، معلوم بود که روزی یک خروار ظرف می شسته. از دست هایش معلوم بود که هنوز تو خود تگراس رخت را توی تشت چنگ می زده.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۶۹)
۹	(زن) من داشتم با ماشین رختشویی ور می رفتم که یک جاییش خراب شده بود. بی رودرواسی آمد کمکم و رختها را شستیم.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۴)
۱۰	(زن) بعد هم پاشدیم و رختها را پهن کردیم و ...	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۶)
۱۱	مادرم توی مطبخ می پلکید.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۴)
۱۲	صبحها زنش او را از خواب بیدار می کند، آب می ریزد تا او صورتش را بشوید، بساط ریش تراشی اش را جمع می کند و خودش صبحانه ی او را می آورد.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۹)
۱۳	(زن) ... خانه همان خانه بود که هر روز توی مطبخش آشپزی کرده بودم، هر بهار توی باغچه هایش لاله عباسی کاشته بودم، سر حوضش آن قدر ظرف شسته بودم ...	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۵)
۱۴	... و رو به تمام زنهایی کرد که ظرف می شستند یا بچه ی کوچولوشون را سرپا می گرفتند یا شلوارهای خیس شده ی بچه ها را لبه ی ایوان پهن می کردند...	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۹)
۱۵	زنش دورتر از گرمای سماور به دیوار آن ور ایوان تکیه داده بود و با کانوای سبز، آستین یک پیراهن بچه گانه را می بافت.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۶۴)
۱۶	روزهای بعد احساس کردم، زنهایی که سر راهم لب جوی آب ظرف می شستند، سلام می کنند و ...	(آل احمد ج، ۱۳۷۳، ص. ۵۱)
۱۷	و زنها چمباته زده لب نهر ظرف می شستند.	(آل احمد ج، ۱۳۷۲، ص. ۱۳)
۱۸	مردهاشان می روند شهر به عملگی و زنها به همان کارهای معهود خانه.	(آل احمد ج، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۳)
۱۹	و زنها می آمدند و می رفتند و آب و آش می آوردند و بسته های پشم را روی سر می گرفتند و به خانه می بردند.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۶۱)
۲۰	تنها زنی است که تو این آبادی قالی می بافد. آنهای دیگر گلیم و جاجیم می بافند.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۲)
۲۱	زنها عصرها از سر جوی ده با کوزه، آب می بردند و صبح ها رخت هاشان را همان لب جوی می شستند و ...	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۴)
۲۲	ننه خیری طرح یک دار قالی دیگر را در سر می ریخت و ماه جان خیال داشت چرخ خیاطی بخرد و از نان بندی دست بکشد.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۸۶)
۲۳	مردهای کاری صبح می رفتند بیابان و اول آفتاب سر مزرعه ناشتا می کردند و زنها سر ظهر با دیگ های آش به سر و سفره های نان و پنیر به کمر بسته می رسیدند.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۹۰)
۲۴	یک طرف اتاق که اندود شد، دیدم بازوهایم درد گرفته. آدمم پایین و زنک درآمد که: این کار زن هاست آقا.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۴۰)
۲۵	زنش، درخشنده خانم هم که سخت مشغول قالی بافی بود.	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۷۴)
۲۶	... بعد حیاط بیرونی که زنها باهاش کاری نداشتند و رفتند توی اندرونی که تازه برای خودش آبدارخانه ی علی حده ...	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۸۹)

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۰)	... یکیش دختر هفت ساله ی تو دل برویی به اسم حمیده که صبح تا شام پا به پای مادرش راه می رفت و براش شیرین زبانی می کرد و از سبزی پاک کردن گرفته تا گوشت کوبیدن، هر کاری را که مادرش می گفت راه می انداخت.	۲۷
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۱)	زن میرزا اسدالله اسمش زرین تاج خانم بود. از آن زن های کدبانو که از هر انگشتشان هنری می ریزد و یک تنه یک اردو را نهار می دهند.	۲۸
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)	... زن ها توی اندرونی و مردها توی بیرونی.	۲۹
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۵۵)	... بیکاری عیال همکار مرا آزار می دهد، باید دستش را یک جورى بند کرد. پا می شوی می روی پیشش و وادارش می کنی یک دار قالی توی خانه اش بزند.	۳۰
	۳۰ مصداق، ۲۱٪	

همان طور که در جدول بالا ملاحظه می شود، کلیشه ی نقش های وابسته به همسر و خانواده، با ۳۰ مصداق در داستان های آل احمد، بیشترین فراوانی (۲۱٪) را به خود اختصاص می دهد. در این زمینه تمام نقش هایی که یک زن در خانه و خانواده انجام می دهد و به نوعی با همسر و خانواده مربوط است، به عنوان مصداق آورده شده است.

۲- پر حرفی

کلیشه ی پر حرفی زنان با ۱۹ مصداق، ۱۳٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است. در تعیین مصداق های پر حرف بودن زنان، پیچ کردن زنان، درد دل کردن و در کل تمام مواردی که به نوعی به پر حرف بودن زنان اشاره داشت، در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: مصادیق کلیشه پر حرفی

منبع	مصادیق	ردیف
آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۶۸	... دو تایی نشستیم به ویسکی خوردن و درد دل و حالا گریه نکن کی بکن.	۱
آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۵	... و همین جور درد دل ...	۲
آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۸۵	(به عقاب ماده پیر) هیچ وقت در تو خیر و برکتی نبود. مرا ببین که ... هی پرچانگی، هی پر حرفی.	۳
(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۲)	یک موج ترس هم از بالای آن حمام گذشت و برای زنانی که در آن جا سر و تن می شستند و پر چانگی می کردند، واقعه ی شوم سوم ...	۴

ردیف	مصادیق	منبع
۵	خانم بزرگ هیچ راضی نبود به من اجازه‌ی صحبت بدهد و با وجود این که هیچ دندان در دهان ندارد... پشت سر هم حرف می‌زند و از همه چیز می‌پرسد.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۳)
۶	دوتا زن چادر نمازی که با هم هرهر و کرکر می‌کردند.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۶۱)
۷	آن دو زن هنوز کرکر می‌کردند ولی کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کرد.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۶۶)
۸	زن‌ها که تازه خبردار می‌شدند با جیرو ویر و غرغر از حمام در می‌آمدند.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۳)
۹	دلاک حمام زنی بود عاقل و جهان دیده، گرچه مثل همه‌ی دلاک‌ها روده دراز بود، با هر کس می‌نشست سر دل خود را باز می‌کرد و ... صحبت می‌کرد.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۴)
۱۰	دوباره غوغایی بر پا گردید و حمام زنانه شلوغ تر شد.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۷)
۱۱	دم در مطبخ که رسیدند مریم خانم برگشت و رو به تمام زن‌هایی کرد که ... یا سرهاشان را توی یخه ی هم کرده بودند و چیزی می‌گفتند و کرکر می‌خندیدند... .	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۹)
۱۲	ناچار همه به هم نگاه می‌کردند و پیچ پیچ راه افتاده بود.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۴۲)
۱۳	(نزهت الدوله) از درد دل‌هایی که با دختر خاله‌ها و عروس عمه‌ها می‌کرد به یادش می‌آمد که شوهرش چقدر ناجور و خشک است.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۵۱)
۱۴	خواهرها هم انگار یک عمر همدیگر را ندیده بودند: چه حرف‌ها داشتند که بزنند، تا دو بعد از نیمه شب بیدار بودند و قرار و مدارها و درد دل‌ها و	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۶۳)
۱۵	این دوتا زن خارجی که بلند بلند با هم حرف می‌زدند و سر آدم را می‌خوردند، نزدیک بود مرا دیوانه کنند.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۸۱)
۱۶	(گیس سفیدها) اول احوالپرسی و درد دل از دور زمانه. بعد هم نک و نال از دردهای بی درمان پیری و زمین گیری.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۹)
۱۷	از شنیدن این خبر غلغله توی مجلس افتاد و گیس سفیدها دوتا دوتا شروع کردند به پیچ پیچ.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۵۰)
۱۸	شباب‌جی خانم بزرگه که یک ریز حرف زده بود و ... آنقدر خسته شده بود که نزدیک بود از نفس بیفتد.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۶۸)
۱۹	یا خاله چادری‌هایی که پنهانی از شوهرشان به قوم و خویش‌ها کاغذ می‌نوشتند و از هووی تازه شان درد دل می‌کردند و از مادر شوهرشان.	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۲)
	۱۹ مصداق، ۱۳٪	

۳- خرافاتی

کلیشه‌ی خرافاتی زنان، با ۱۸ مصداق، ۱۳٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است. برای تعیین مصادیق

این کلیشه، تمام اعمال خرافی، جادو جنبل و غیره در نظر گرفته شد.

جدول ۳: مصادیق کلیشه خرافاتی

ردیف	مصداق	منبع
۱	مادر می‌گه عنکبوت شگون نداره.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۴۷)
۲	"سر کتاب وا می‌کنم برای آن زن، که بود عامی و بی سواد و کودن، نگرداند رخ از من".	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۳)
۳	"چون که جنی شده در خزینه‌ی زائو، می‌رود در عقب طلسم و جادو، به چاکر می‌کنن رو ...".	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۴)
۴	راسی ننه جون می‌گن تو یه وقتا دعام می‌نوشتی؟ ...	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۴)
۵	(زن) ... شاید برام جادو جنبلی، چیزی کرده باشن.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۲۶)
۶	... دیگه هر چی دعا نویس بود دید، هر چی شاباجی خانم دوا بهش داد خورد، چند دفعه چله بری کرد	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۳۰)
۷	... و در مجاورت شیشه‌های سرد آن جا، شاید به صورت قطره های ناپاک که پیرزن‌ها عقیده دارند، اگر به تن کسی چکید، جایش زخم خواهد شد، در می‌آمد و	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۷)
۸	خودتم بیا دو سه تا دسته بزن، شاید بختت وازشه.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۴)
۹	(زن) عمقزی من که حرفی ندارم، گفתי چله بری کن، کردم. گفתי تو مرده شور خونه از رو مرده بپر که پریدم و ... گفתי دوا به خورد شوهرت بده که دادم	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۷)
۱۰	حتماً دخترکم رو چشم زدند.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۸)
۱۱	اون طلسم یه روزه آب شده، خیالت تخت باشه. الهی به حق پنش تن نومید برنگردی.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۴۰)
۱۲	همان نسخه‌های خانگی خاله پیر زنک هاست.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۸۸)
۱۳	و بار دیگر از زن کل غلام حرف زد که برای بچه دار شدن ماهی یکبار وقتی خون می‌بیند، می‌رود امامزاده‌ی حسین آباد که سرسره‌ای دارد و هر که هفت بار از رویش سر بخورد، بچه‌دار می‌شود.	(آل احمد ج، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۷)
۱۴	خوبی کار میرزا عبدالزکی همین بود که بیشتر مشتری‌هایش از زن‌های اعیان و اشراف بودند و از بزرگان شهر که اغلب طلسم و چشم بندی می‌خواستند، ... یا مهره‌ی مار، گاه	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۳۱)

منبع	مصدق	ردیف
	گذارى هم جادو جنبل.	
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۴۴)	(میرزا) زن اولش را می گویم، نمی دانی چه دل خونی از دست شوهره داشت. یک چشم اشک و یک چشم خون. دعای محبت می خواست جانم تا هووی تازه را از چشم شوهرش بندازد.	۱۵
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۵۲)	(میرزا) الان دو هفته است که جرات نمی کنم سر سفره ی خانه ام چیزی بخورم. از بس جادو جنبل توی خوراکم کرده، ... هر روز غذایش یک طعمی می دهد.	۱۶
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۶۲)	قدیمی ها می گفتند، هر شکم زایمان یک ستون بدن را خراب می کند و مرا بگو که شش هفت شکم زاییده ام	۱۷
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۶۶)	(حکیم باشی) نصف بیشتر مریض های ما همان هایی هستند که دل و روده شان از دست این جور دوا درمان های خاله پیرزکی مئوف شده.	۱۸
	۱۸ مصداق، ۱۳٪	

۴- هیجانی (واکنش های هیجانی)

جدول ۴: مصادیق کلیشه هیجانی

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۱۷)	و بعدش هم مدام با دوتا دختر ريقونه دمخور بودن که تا دستشان می زدی، جیغشان در می آید.	۱
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۵۸)	مادرم خنده کنان گفت: "نه تو که کولی نبودی، این اداها مال دختراس، خیال کردی زخم شمشیر"	۲
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۷)	... و زار زار گریه می کردیم.	۳
(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۱)	افسران، شمشیرهای براق و پر و پاگیر خود را از میان چکمه های خود جمع می کردند و می دویدند، زن ها جیغ می کشیدند، از همه تنه می خوردند و عقب می ماندند.	۴
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۶)	چقدر گریه کردم؟ خدا می داند، ولی مگر راحت می شدم. حتی گریه هم راحتم نکرد	۵
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۸)	مادرم دلدارای ام می داد، آخر می دید که چطور رنگم پریده ... و من تا پشت در مهمان خانه برسم نصف عمر شده بودم ... تنم یخ کرده بود، قلبم داشت از جا کنده می شد.	۶
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۹)	(زن) و من همان طور که فریاد می زدم "نمی مونم، ولت نمی کنم" گریه را سر دادم و حالا گریه نکن و کی گریه کن.	۷
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۵)	یکی از زن ها فریاد کشید. بچه اش توی حوض افتاده بود. دور حوض می دوید و سوز و بریز می کرد.	۸
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۴)	آبجی خانم را می گوئی، از خوشحالی نزدیک بود از حال برود.	۹
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۸)	آبجی خانم یکمرتبه هیاهوی زنبورهای خانه ی قدیمی را شنید و دیگر چیزی نمانده بود از خوشحالی دق کند.	۱۰
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۵۸)	ننه منیژه که از حرف های ننه جون شله حسابی جرش گرفته بود و خون خونس را می خورد ... صبر نکرد تا حرفش تمام بشود و گفت:	۱۱

ردیف	مصادیق	منبع
۱۲	(زن) ... دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و جلوی همه‌ی در و همسایه ها زار زار گریه کردم	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۶)
۱۳	اوستا رجبعلی: خوب میخاین از خر شیطون پایین بباین یا بازم خیال کتک کاری دارین؟(در پاسخ) هاجر بغضش ترکید و دست به گریه گذاشت.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۴۴)
۱۴	یک مرتبه فریاد زنی از وسط حیاط مدرسه برخاست که ریختیم بیرون. زنی خاک آلود و سر و پا برهنه ... و مرتب فریاد می‌زند.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۳)
۱۵	(زن) آخر پس من برای که درد دل کنم آقا؟ و زد به گریه و زاری کنان افزود: دلم دارد می‌ترکد ... و هم چنان اشک می‌ریخت.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۹)
۱۶	دیگر اتاق ها دست زن‌ها بود و رفت و آمد شتابزده شان.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۴)
۱۷	زنی مرتب می‌گفت: آی آقا جان امان، به دادم برس، شوهرم از دستم رفت، آی آقا جان امان ...	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۵۷)
۱۸	یک روز چهل نفر زن قد و نیم قد ... ریختند تو تکیه‌ی پالاندوزها و جیر جیر و داد و بیدادشان تمام شبستان تکیه را پر کرد... .	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۷۶)
	۱۸ مصداق، ۱۳٪	

کلیشه‌ی هیجانی بودن زنان نیز ۱۳٪ فراوانی به دست آورده است، لازم به توضیح است، تمام واکنش‌های هیجانی زنان اعم از جیغ زدن، فریادهای ناگهانی، گریه‌ها و داد و بیداد کردن‌ها ذیل کلیشه‌ی هیجانی بودن زنان در نظر گرفته شده است.

۵- ادبیات گفتاری زنانه

جدول ۵: مصادیق کلیشه ادبیات گفتاری زنانه

ردیف	مصادیق	منبع
۱	اوا ... این پنیر است؟ چرا آن قدر سفید است؟ ...	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۰)
۲	اوا ... چطور نمی دانید؟	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۱)
۳	اوا ... پس شما چه می دانید؟	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۲)
۴	واخ واخ ، ننه جون مگه اونا خدا و رسول سرشون نمی شه.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۵)
۵	واه واه، خدا به دور. راس راسی هم ...	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۶۵)
۶	واه، واه، روز بد نبینید، هیچ خجالت نکشید... .	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۴)
۷	وای خواهر چرا این قدر دیر اومدی؟	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۶)
۸	اوا، صغرا خانم، خاک بر سرم.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۸)
۹	اوا، خواهر، چه حرف ها، تو دیگه چرا سرکوفت می زنی؟	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۹)
۱۰	واه، چه حرف ها.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۲)
۱۱	واه، واه، سر برهنه تو دیار کفرستون، ...	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۳۸)

ردیف	مصادیق	منبع
۱۲	اوا چرا پیاده شدم؟	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۳۰)
۱۳	واخ، خدا جونم مرگت کنه.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۳۶)
۱۴	واه واه، چقدر گنده دماغ، من منظورم به تو نبود که داداش.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۳۸)
۱۵	واه واه، خداه به دور.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۳۹)
۱۶	واه واه، هرگز رغبتم نمی شینه.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۴۰)
۱۷	زن پیف پیفی کرد و گفت: واه واه، چه اسم ها ...	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۴۸)
	۱۷ مصداق، ۱۲٪	

کلیشه‌ی ادبیات خاص گفتاری زنانه، جزء کلیشه‌های تعیین شده و جهانی نبوده بلکه محقق از متن داستان‌های آل احمد استنباط کرده است. این کلیشه با ۱۷ مصداق، ۱۲٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است. در خلال داستان‌های آل احمد مشخص شد که نوعی ادبیات خاص گفتاری به طوری که کاملاً متفاوت از ادبیات گفتاری مردان بوده، وجود دارد و از آنجا که در اکثر داستان‌های وی مطرح شده بود، به عنوان کلیشه انتخاب شد.

۶- انفعال

جدول ۶: مصادیق کلیشه انفعال

ردیف	مصداق	منبع
۱	آخر برای یک دختر مثل من که سی و چهار سال توی خانه‌ی پدر جز برادرش کسی را ندیده و از همه‌ی مردهای دیگر رو گرفته و فقط با زن‌های غریبه آن هم توی حمام یا بازار حرف زده، چطور ممکن است وقتی با یک مرد غریبه رو به رو می‌شود، دست و پایش را گم نکند؟	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۹)
۲	(زن) خدایا من چقدر خر بودم. همه‌ی این بلاها را سر من آوردند و صدای من در نیامد؟	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۷)
۳	می نشستم و هی کوفت و روفت مادر و خواهرش را شنیدم. هی گذاشتم برود وردلشان و از زبانشان بد و بیراه مرا بشنود تا از نظرش افتادم.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۸)
۴	هیچی، منتظر بختش نشسته. مگه ما چی کار کردیم، آنقدر تو خونه نشستیم تا ...	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۴۰)
۵	(نزهت الدوله) هر وقت پا از خانه بیرون می‌گذاشت، هزاران شاکی با عریضه‌های طاق و جفت سر راهش سبز می‌شدند و برای او که اصلاً کاری به این کارها نداشت، این یکی دیگری خیلی تحمل ناپذیر بود.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۵۰)
۶	گر چه (نزهت الدوله) ککش هم نمی‌گزید و کاری به این کارها نداشت و در خیال دیگری	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۷۶)

منبع	مصدق	ردیف
(۵۱)	بود...	
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۶۰)	(بی بی جان خله) آخه اونم بل حکمتی به کارشه، از این ستون هم به اون ستون فرجه.	۷
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۵)	یک زن چشم و گوش بسته مثل من، غیر از این چیزی دیگری به فکرش نمی‌رسید. نه جایی را بلد بودم، نه راه و چاره‌ای می‌دانستم.	۸
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۳۸)	هر چی باشه یه زن اسیر که بیشتر نیستم. خدا رفتگان ما رو نیامرزه که این طوری بی دست و پا بارمون آوردن، نه سوادی... هر خاک تو سر مرده ای‌ام تا دم گوشامون کلاه سرمون می‌زاره و حالیمون نمی‌شه.	۹
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۴۵)	حیف که شما زنا هنوز چیزی سرتون نمی‌شه. روزنامه که بلد نیستی بخونی وگه نه می فهمیدی من چی می‌گم.	۱۰
(آل احمد ج، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۲)	(معلم) گفتم: مگر نشفتی آزادی بانوان را؟ (زن) گفت: ای آقا ما را چه کار به بانوان؟؟؟	۱۱
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۴۸)	هیچی پدر سوخته‌ها امروز صبح آمده‌اند، هونگ مرا به زور برداشته اند ... اگر شوهرم زنده بود حالیشان می‌کرد، دنیا دست کیست؟	۱۲
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۶۱)	خوب البته جانم، وقتی از جای تکان نخوری، کمترین نتیجه‌اش این است که نجیب می‌مانی، عین پیرزن‌ها.	۱۳
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۱۴)	خواهر، مثل این که باز اوضاع دارد بد می‌شود. درخشنده خانم گفت: ای خواهر، به من و تو چه؟ قالی همیشه قالی است. همیشه هم خریدار دارد.	۱۴
	۱۴ مصداق، ۱۰٪	

کلیشه‌ی انفعال نیز با ۱۴ مصداق در داستان‌های آل احمد، ۱۰٪ فراوانی به دست آورده است. لازم به ذکر است، تمام مواردی که زنان خود را از مسائل کنار کشیده یا دست روی دست گذاشته و یا اظهار بی طرفی کرده و یا از واکنش‌های هیجانی به جای واکنش‌های عقلانی در موارد خاص استفاده می‌کنند، از مصادیق این کلیشه شمرده شده است.

۷- مهربان و دلسوز

جدول ۷: مصادیق کلیشه مهربان و دلسوز

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)	(مامان) آخه بذار بچه یک لقمه نون زهر مار کنه.	۱
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۶۹)	من برای این که تندی حرف آن مردکه را جبران کرده باشم و دختره را از تنهایی درآورده باشم، سر دلم را باز کردم و برایش گفتم که آمریکا بودم و ...	۲

ردیف	مصادیق	منبع
۳	ننه جون راس راسی من دلم واسه‌ی مادرای این جوونکا کبابه کباب . آخه هر چی باشد بنده‌ی خدا که هستن. آدم دلش می سوزه.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۴)
۴	بمیرم الهی ننه جون، بچه هکم زهرا، امسال خیلی به داد من رسید	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۴)
۵	زن اولی به قیافه ای تأثر بار افزود: "بیچاره‌ها، من دلم برا بچه‌هاش می‌سوزه، آخر یتیمچه‌ها تا حالا ... !"	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۳)
۶	یکی از زن‌هایی که بغل دست آن‌ها نشسته بود، قیافه‌ی دلسوزانه‌ای به خود گرفت و گفت: آخیش، چه گلدان قشنگی بود	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۶۴)
۷	آره خانم جون می‌خواستم بگم اگه من به کارم احتیاجی ندارم، اما بیچاره بگوم محتاج کارشه. یک بچه اش مدرسه می‌ره و یه ریز برایش خرج می تراشه	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۵)
۸	خدا رو خوش نمی‌آد. شما که ماشالا خانم دل رحمی هستین، نبایست این حرفت رو می‌گفتین ...	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۶)
۹	(ننه) آخیش ... من که دلم ریش ریشه، مادر مرده‌ها.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۵)
۱۰	(شباباجی خانم بزرگه) راستش دلم برایشون کبابه، ننه مرده‌ها از وقتی چشم به دنیا باز می‌کنند تا وقتی سرشون رو جای پاشون بگذارن، آب خوش از گلوشون پایین نمی‌ره...	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۳۲)
۱۱	(ننه جون شله) وظیفه مونه که بسوزیم و بسازیم و تو همین لونه‌ها بمونیم و آثار مرده‌ها و رفته‌ها رو حفظ کنیم و صحیح و سالم بسپریم دست بچه هامون.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۵۸)
۱۲	گاهی که زرین تاج خانم حالش خوش نبود، مجبور بود دسته‌ی هونگ را بدهد به دست دختر نازنینش که گوشت بکوبد، دلش خون بود اما چاره ای نداشت.	(آل احمد ج، ۱۳۴۰، ص. ۲۱)
	۱۲ مصداق، ۸٪	

کلیشه‌ی بعدی، کلیشه‌ی دلسوز و مهربان بودن زنان است که با ۱۲ مصداق، ۸٪ فراوانی را به دست آورده است. در این مورد نیز تمام مواردی که زنان برای دیگران دلسوزی کرده و یا از سر دلسوزی و همدردی کاری برای دیگری انجام داده، به عنوان مصادیق این کلیشه در نظر گرفته شده است.

۸- کنجکاو (فضول)

جدول ۸: مصادیق کلیشه کنجکاو

ردیف	مصادیق	منبع
۱	می‌بینی خواهر، کرم از خود درخته، همین خاله خانجایی های بی شعور و پیه هستند که شوهر الدنگ من میره	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۲۹)
۲	زن‌هایی که آن طرف مطبخ و در پناه پاتیل نشسته بودند و چیزی ندیده بودند، هجوم آورده بودند و سرک می کشیدند.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۴۱)
۳	همان خاله زنک‌های فامیل یک ماهه نشانی خانه‌ی آن دو زن دیگر را که پیدا کردند هیچ، حتی	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۵۳)

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۵۴)	و چون این واقعه فراموش شد و خانم بزرگ ها و مادر شوهرهای فامیل این بی بندوباری اخیر را هم از یاد بردند.	۴
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۶۵)	و از خاله خانجی ها کمک گرفته بودند و دو روز ...	۵
	۵ مصداق، ۴٪	

همان طور که ملاحظه می شود، کلیشه‌ی کنجکاوای زنان فقط ۵ مصداق در داستان‌های آل احمد دارد و بر همین اساس فراوانی کمی (۴٪) را به دست آورده است.

۹- مضطرب (نگران)

همان طور که از جدول بر می آید، کلیشه‌ی مضطرب بودن زنان نیز با ۵ مصداق در داستان‌های آل احمد، ۴٪ فراوانی به دست آورده است.

جدول ۹: مصادیق کلیشه مضطرب

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۶)	از ترسم که مبدا بفهمند، باز هم به حمام محله‌ی خودمان می‌رفتم.	۱
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۲)	(شبابجی خانم بزرگه) هزاری که بچه‌ها جون بکنند و ... چه فایده؟ بایس فکر دیگه‌ای کرد؟... بر فرض که مورچه‌ها تار و مار بشن با گشنگی چیکار بایس کرد؟...	۲
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۳)	(آبجی خانم درازه) "بهتره بریم یه جایی بنشینیم ... و گنه می‌ترسم زه بزنییم و از پس این کار برنیایم".	۳
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۴)	آن بالا بالاها که می‌پریدند آبجی خانم همه اش از این می‌ترسید که مبدا دیگر بوی صحرا به دماغش نرسد و راه را گم بکند.	۴
(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۶۱)	(گیس سفیدها) از بس که فکرشان مشغول بود و دلواپس بودند، حوصله‌ی خنده هم نداشتند.	۵
	۵ مصداق، ۴٪	

۱۰- خیالباف (رویایی)

کلیشه‌ی بعدی، خیالباف بودن زنان است که ۴ مصداق (۳٪) در متون به دست آورده است.

جدول ۱۰: مصادیق کلیشه خیالباف

ردیف	مصادیق	منبع
۱	اما شاباجی خانم بزرگه با خیالی آشفته از دروازه که اومد تو، باز شروع کرد به تخم گذاشتن و همین جور که می‌رفت، دنباله ی فکر و خیال هاش را هم داشت.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۱)
۲	شاباجی خانم بزرگه یار غارش را ... و با خودش فکر می‌کرد: حیف که پیر شدم ... و همین جور خیال می‌بافت و می‌رفت.	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۳۹-۴۰)
۳	شاباجی خانم بزرگه همه‌ی حرف‌ها را که شنید تو لب رفت و تو دلش گفت: "عجب با این همه عمری کردم ..."	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۳)
۴	آبجی خانم درازه تو دلش فکر کرد: "بهتره بریم یه جایی بنشینیم ..."	(آل احمد ت، ۱۳۸۳، ص. ۴۳)
	۴ مصداق، ۳٪	

در کل ۱۰ کلیشه‌ی جنسیتی زنانه در متون ادبیات داستانی آل احمد یافت شد. تعداد مصادیق این ۱۰

کلیشه، ۱۴۲ مصداق می‌باشد.

ب- کلیشه‌های مردانه

کلیشه های مردانه به ترتیب داده‌های زیر به دست آمد.

۱- عصبانی و خشن

جدول ۱۱: مصادیق کلیشه عصبانی و خشن

ردیف	مصادیق	منبع
۱	عصبانی که می شد باید از جلوش در رفت.	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۸)
۲	بیا و ببین چه داد و فریادی، بابام با آن همه ریش و عنوان آن روز فحش‌هایی به اصغر آقا داد که مو به تن همه‌ی ما راست شد.	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۶)
۳	بازم سرکوفت‌های بابام شروع شد.	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۷)
۴	باز فریاد بابام بود.	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)
۵	(مرد به زنش) زنیکه‌ی لجاره، باز تو کار من دخالت کردی؟ حالا دیگر باید ...	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)
۶	بابام چنان سرخ شده بود که ترسیدم. عصبانیت‌هایش را زیاد دیده بودم. سر خودم یا مادرم یا مریدها یا ...	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)
۷	به ادای پدری با شارت و شورت وارد خانه شدم و سطل سرب را همان کنار حوض برقی درقی زدم زمین.	آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۵۸)
۸	دایم به این دستگاه بی دین پرور لعن می‌فرستاد و چون چاره‌ای نداشت، سرکوفت آن را همیشه به زنش می‌زد و از او بهانه می‌گرفت.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۵۳)
۹	جوانک هیچ حاضر نبود قانع شود. رگ‌های گردنش برآمده بود و خون به صورت خود دوانده و ... آیات قرآن و جملات مخلوط و ... را درهم برهم با فریاد، بلند بلند	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۹)

ردیف	مصادیق	منبع
	می خواند.	
۱۰	این صدای معلم نقاشی بود که ... وقتی حرف می زد مثل این بود که فحش می دهد.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۷۱)
۱۱	(معلم نقاشی) سر کلاس عصبانی می شوم.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۸۱)
۱۲	پسرک هنوز فریاد می کشید و فحش می داد و به بی دین ها لعن می فرستاد.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۲)
۱۳	(مرد) همین طور که این ها را می گفتم فحش هم می دادم، مثل ریگ فحش می دادم.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۹)
۱۴	(مرد) و یک ریز زیر لب فحش می دادم.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۰)
۱۵	(معلم) که فریادم درآمد که: گه خوردی زنی که ی احمق، کدام زندگی؟ ... باز فریاد من درآمد: که خفه می شوی یا بزخم تو سرت؟	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۴)
۱۶	میرزا اسدالله با عصبانیت کلامش را برید ...	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۱۲)
۱۷	میرزا عبدالزکی دیوانه وار فریاد کشید و چنان فریادی که پیشکار کلانتر و بچه های حاجی از یک میدان جلوتر برگشتند که ببینند چه خبر شده است.	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۱۲)
۱۸	میرزا عبدالزکی تنها که می ماند مثل برج زهر مار بود و نمی دانست که چرا دلش می خواهد کاسه کوزه ی تمام این قضایا را سر زنش بشکند.	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۱۸)
۱۹	میرزا که بدجوری گیر کرده بود، دادی سرشان زد که: ... اهه، این همه جیرجیر که فایده ندارد، بزرگترتان را بگوئید بیاید بنشینند و مثل آدم حرف هایش را بزنند.	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۷۶)
۲۰	میرزا عبدالزکی پادوش را گر چه سواد نداشت، محرر خودش معرفی می کرد و بعد هم که از مجلس در می آمدند شروع می کرد به سرکوفت زدن بهش ...	(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۸)
	۲۰ مصداق، ۲۹٪	

همان طور که از جدول بر می آید، کلیشه ی عصبانیت و خشن بودن مردان، با ۲۰ مصداق، بیشترین فراوانی را به دست آورده است. لازم به توضیح است که در داستان های آل احمد، تمام مصادیقی که به نوعی بر عصبانیت، خشن، بداخلاق بودن، داد و فریاد کردن مردان اشاره داشته است، ذیل این کلیشه آورده شده است.

۲- پرخاشگر

کلیشه ی مردانه ی بعدی، پرخاشگری مردان است. مصادیق این کلیشه به صورت آزار روحی و به خصوص جسمی دیگران (کتک زدن) در نظر گرفته شده است. این کلیشه با ۱۹ مصداق، بعد از عصبانیت، دومین فراوانی (۲۸٪) را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱۲: مصادیق کلیشه پرخاشگری

ردیف	مصادیق	منبع
۱	آخر چشمت را باز کن احمق جان؟ اگر این بار باز هم رفتی النگو خریدی، مچ دستت را خرد می‌کنم: تو لیاقت خوش رفتاری هم نداری ...	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۰)
۲	(عباس) حوصله نداشتم کتکش بزنم.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۹)
۳	(عباس) از آن فریادها بود که وقتی می‌خواست کتکم بزند، از گلویش در می‌آمد.	(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)
۴	هیچ کس ندانست چه طور سیلی به صورت آن گدای بیچاره که کنار کوچه نشسته بود چپق می‌کشید، زد که خون از دماغش سرازیر شد.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۵۴)
۵	تاکنون چند مرتبه با این لندهورها دست به یخه شده بود و با زبان روزه چند فحش آب دار و نتراشیده بارشان کرده بود.	(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۵۴)
۶	(معلم نقاشی) پارسال پسرکی را آنقدر زدم که از حال رفت.	(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۸۲)
۷	مثل وقتی که با زنش حرفش می‌شد و می‌خواست او را بزند.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۶)
۸	به یاد شوهرم که مرا غضب خواهد کرد، افتادم.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۲۱)
۹	(عنایت) به من چه؟ ... زنیکه ی لچاره حالا حالت می‌کنم ... و او را به زیر مشت و لگد انداخت.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۴۴)
۱۰	دیگر طاقت پدر تمام شده بود... دخترها خودشان روی توی حیاط انداخته بودند و پدر مثل آن‌ها پا برهنه، دنبالش افتاد ... و همان‌طور یکی محکم به پشتش زد، دختر سکندری رفت و دمر روی زمین پهن شد ...	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۶۶)
۱۱	(مرد صاحب سه تار) عنان خود را از دست داد و با دست دیگرش سیلی محکمی زیر گوش پسرک نواخت.	(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۲)
۱۲	وقتی فهمید ترکه‌ها را شکسته‌ایم، کمر بندش را باز کرد و دور پای پسرش پیچید و او را دراز خواباند و ناظم را واداشت ده تا خط کش کف پایش بزند.	(آل احمد ج، ۱۳۷۳، ص. ۵۳)
۱۳	(مدیر) چنان از خودم بیزاریم گرفت که می‌خواستیم به یکی فحش بدهم، کسی را بزنم.	(آل احمد ج، ۱۳۷۳، ص. ۶۷)
۱۴	... و هر وقت می‌بینیش از این درد دل دارد که باز دیشب شوهرش به خانه که رسیده، یک فصل او را کتک زده .	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۷)
۱۵	(معلم به زنش) ول می‌کنی یا نه؟ اصلا این حرفها رو که بهت یاد می‌دهد؟... حالا رویت هم زیاد شده؟ می‌خواهی من هم مثل شوهر سابقت رفتار کنم و پاشم بزنم شل و پلت کنم؟	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۹)
۱۶	آن شبی که شوهرم با یک بچه‌ی شیری از خانه بیرونم کرد ...	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۰)
۱۷	(معلم) رفتم جلو و با یک لگد ماه جان را به طرفی انداختم و بسته‌ی جسد پیر زن را بر داشتم و بردم توی اتاق.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۳)
۱۸	نیم ساعتی بنده و بچه‌ها با لگد و مشت و آن‌ها با چوب کتک کاری می‌کردیم تا لرها در رفتند.	(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۳۱)

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۳۹)	یک وقت یکی دیگرشان آمد جلو و بی هوا یک کشیده زد به گوش بنده که دادم درآمد ... چون پس از داد و فریادی که راه انداختم، دو سه نفری ریختند سر بنده و ده بزن.	۱۹
		۱۹ مصداق، ۲۸٪

۳ - سلطه گر (زورگو)

کلیشه‌ی بعدی زورگو و سلطه‌گر بودن مردان است که با ۱۷ مصداق در داستان‌ها، ۲۵٪ فراوانی به دست آورده است. در تعیین مصادیق این کلیشه تمام مواردی که در آن مردان به دیگران و از جمله زنان دستور می دهند و یا با حالت دستوری با دیگران صحبت می کنند، مدنظر محقق بوده است.

جدول ۱۳: مصادیق کلیشه سلطه‌گر

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۱۲)	(بابای موجول) بیا موجول، این پسر آقاس. می سپرمش دست تو، فهمیدی؟ امروز ظهر باهات برو برسونش خونه شون. بعد بیا. فهمیدی؟ ...	۱
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۵)	سلامم توی دهانم بود که خرده فرمایشات شروع شد، - بیا و دستت را آب بکش، بدو سر پشت بون... عادتش این بود. چشمش که به یک کدامان می افتاد شروع می کرد، به من یا مادرم یا خواهر کوچکترم.	۲
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۲۷)	بابام حرف زدن با این همسایه‌ی کفتر باز را قدغن کرده بود.	۳
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۵۳)	درست است که گاهی نک و نال می کردم اما بیشتر از اردهای بابام که با تشدد بود و سخت بود نه ...	۴
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۵۵)	ولی مگه بابام سرش می شد؟ یک داد می زد سرم و اردش را می داد و تا می آمدی فیش و فوش کنی ... فریادش بلند می شد.	۵
(آل احمد الف، ۱۳۴۰، ص. ۷۴)	من هم راحت تر بودم. بی آقا بالاسر.	۶
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۵)	(زن) خودش (شوهرم) قدغن کرده بود که پا به خانه‌ی خودمان هم نگذارم.	۷
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۷)	(زن) بعد هم مجبورم (شوهرم) کرد، خرجمان را یکی کنیم و صبح و شام توی اطاق آن‌ها برویم شام و ناهار بخوریم.	۸
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۴۹)	درست است که شوهر همه کاره بود و از ...	۹
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۰)	تازه شوهر حاضر به طلاق نبود، نظامی بود و یک دنده.	۱۰

منبع	مصادیق	ردیف
(۵۴)		
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۶۲)	درین نیمه ماه غسل آقا همه کاره بود.	۱۱
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۵)	شوهرم حاضر نبود مرا با بچه نگه دارد ...	۱۲
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۶)	من خودم که آزار نداشتم، بلند شوم و بروم این کار را بکنم. شوهرم بود که اصرار می کرد.	۱۳
(آل احمد ث، ۱۳۷۶، ص. ۱۷)	(زن) صبح که از در خانه بیرون می رفت، گفت: "ظهر که بر می گردم دیگه نبایس بچه رو ببینم، ها" و من تکلیف خود را از همان وقت می دانستم.	۱۴
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۵۵)	(مرد) می دانی زن؟ بیکاری عیال همکار مرا آزار می دهد، ... پا می شوی می روی پیشش و وادارش می کنی یک دار قالی تو خانه اش بزند. خودت هم کمکمش می کنی؟ ... فهمیدی؟	۱۵
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۶۱)	اگر بدانید این میرزای ما چه اخلاق نحسی دارد، جان به جانش کرده ام رضایت نداد که بروم تو خانه ی یک کدامشان قالی بزنم و سر خود را گرم کنم.	۱۶
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۸۶)	ورود زن ها را هم را که اصلاً به تکیه ها قدغن کرده بودند.	۱۷
	۱۷ مصداق، ۲۵٪	

۴- نقش های تکیه گاه و نان آور خانواده

درمورد کلیشه ی نقش های نان آور بودن و تکیه گاه خانواده، در کل در تمام داستان ها به عهده ی مردان

است اما آن چه که به طور واضح در داستان ها در این زمینه بیان شده است، موارد بالاست. که ۱۰٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱۴: مصادیق کلیشه نقش های تکیه گاه و نان آور خانواده

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۵۷)	تابستان ها به ایل رفتن و سواری کردن و مثل مردها تفنگ به دوش انداختن و چکمه به پا کردن و زمستان ها در مجالس شبانه با نماینده های مجلس و وزراء درباره ی آزادی و احزاب و دولت و ملت مشورت کردن ...	۱
(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۳)	مردانی که با جفت ورزش های خیش به کول از شخم برمی گشتند یا بچه ها که دنبال خری با بار تیغ از صحرا.	۲
(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۳)	مردهاشان می روند شهر به عملگی و زن ها به همان کارهای معهود خانه.	۳
(آل احمد چ، ۱۳۷۲، ص. ۲۹۰)	مردهای کاری صبح می رفتند بیابان و اول آفتاب سر مزرعه ناشتا می کردند و زن ها سر	۴

منبع	مصادیق	ردیف
	ظهر با دیگ‌های آش به سر و سفره‌های نان و پنیر به کمر بسته می‌رسیدند.	
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۲۰)	یکیش پسر دوازده ساله‌ای بود به اسم حمید که صبح‌ها می رفت مکتب و عصرها دم پر باباش می‌گشت و فرمان می‌برد و راه و رسم میرزا بنویسی را یاد می‌گرفت و ...	۵
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۳۰)	زن‌ها توی اندرونی، مردها توی بیرونی.	۶
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۳۹)	هر چه هم مرد بود، رفته بود جنگ و کار ملاباشی‌ها را ملاباجی‌ها می‌کردند.	۷
	۷ مصداق، ۱۰٪	

۵ - غالب (فراستی)

کلیشه‌ی بعدی غالب بودن و به نوعی فراست بودن مردان در جامعه است که با ۴ مصداق در داستان‌های آل‌احمد، ۶٪ فراوانی را به دست آورده است. در این جا فراست بودن مردان در جامعه به معنای غالب بودن مرد در جامعه (به طوری که در مواقع حساس انتظار برخورد مثل مرد را داشتن) مدنظر بوده است.

جدول ۱۵: مصادیق کلیشه فراستی

منبع	مصادیق	ردیف
(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۵۹)	(زن به مرد) تو که مردش نیستی روزه بگیری، مگه کسی مجبورت کرده؟	۱
(آل احمد ب، ۱۳۸۳، ص. ۹۰)	اگر می ایستادند که ... هیچ ... مردش نبودند.	۲
(آل احمد پ، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۲)	یک مرد رشید به تمام معنی.	۳
(آل احمد ح، ۱۳۴۰، ص. ۱۶۲)	کاری که مرد می خواهد، پشت کردن به این خوان یغماست.	۴
	۴ مصداق، ۶٪	

در کل ۵ کلیشه‌ی جنسیتی مردانه در متون آل‌احمد یافت شد. کل مصادیق نیز ۶۷ مورد می‌باشد.

بحث و جمع‌بندی

یافته‌های تحقیق در مورد کلیشه‌های زنانه این طور نشان می‌دهد که از میان کلیشه‌های تعیین شده‌ی زنانه که عبارت‌اند از: سلطه پذیر، خرافاتی، عاطفی، مهربان و دلسوز، کنجاو، منفعل، ترسو، خیالباف، هیجانی، مضطرب، جذاب و دلربا، پرحرف، حساس و نقش‌های وابسته به همسر و خانواده، ده کلیشه در داستان‌های آل‌احمد تأیید شده‌اند که (به ترتیب فراوانی) عبارتند از نقش‌های وابسته به همسر و خانواده، پر

حرفی، خرافاتی، هیجانی، انفعال، مهربان و دلسوز، کنجکاوی، مضطرب و خیالباف. در این میان کلیشه‌ی ادبیات گفتاری زنانه نیز از داستان‌های آل احمد به دست آمده است که در شاخصه‌های جهانی وجود نداشته و با مطالعه‌ی نیز در رابطه با این کلیشه نه در مورد زنان و نه مردان برخورد نشده است. در طی بررسی کتاب‌های داستان آل احمد مشخص شد که زنان از ادبیات خاصی در حین صحبت کردن برخوردار هستند و از کلمات "اوا، واه واه، و واخ" زیاد استفاده می‌کنند. از آنجا که تعداد مصادیق آن در تمام کتاب‌های داستان آل احمد وجود داشت و قابل توجه بود، از این رو آن را به عنوان کلیشه در نظر گرفته و مصادیق آن آورده شد. لازم به توضیح است از آنجا که این کلیشه در شاخصه‌های جهانی وجود نداشته، نشان دهنده‌ی ارتباط آن با فرهنگ ایرانی حداقل در دوران زندگی آل احمد است. کلیشه‌های زنانه‌ی کنجکاو، مضطرب و خیالباف مصادیق کمی در ادبیات داستانی آل احمد دارند، به طوری که شاید بتوان گفت که این سه کلیشه در داستان‌های آل احمد مطرح نیست. در مقابل، کلیشه نقش‌های وابسته به همسر و خانواده بیشترین مصداق را در میان کلیشه‌های دیگر دارد. همین‌طور داستان‌های آل احمد بر پرحرف بودن، خرافاتی بودن، هیجانی بودن، منفعل بودن و مهربان و دلسوز بودن زنان صحنه می‌گذارد.

در مورد کلیشه‌های مردانه نیز از میان کلیشه‌های تعیین و از پیش مشخص شده که عبارتند از: فعال، حادثه جو، سلطه‌گر، مستقل، نیرومند، شجاع، جسور، قوی، معقول، خود محور، با اعتماد به نفس، مغرور، پرخاشگر، عصبانی و خشن، غالب و نقش‌های تکیه گاه و نان‌آور خانواده، کلیشه‌های زیر (۵ کلیشه) تأیید شده اند: عصبانی و خشن، پرخاشگر، سلطه‌گر، نقش‌های تکیه گاه و نان‌آور خانواده و غالب. عصبانی بودن، پرخاشگر و سلطه‌گر بودن کلیشه‌هایی است که مصادیق نسبتاً زیادی در متون آل احمد به خود اختصاص داده است.

اگر بخواهیم در مقام مقایسه برآمده و کلیشه‌های زنانه و مردانه حاصل از یافته‌های این پژوهش را با هم قیاس کنیم، در ابتدا باید به تعداد کلیشه‌های به دست آمده‌ی در هر گروه اشاره کرد. ده کلیشه‌ی زنانه از متون داستانی آل احمد به دست آمد و در مجموع ۱۴۲ مصداق، این ده کلیشه را نشان دادند. این در حالی است که کلیشه‌های مردانه، پنج مورد بوده و تعداد ۶۷ مصداق این پنج کلیشه را تأیید کردند. بر این اساس

همان‌طور که در چارچوب نظری و مفهومی بیان شد، کلیشه‌های جنسیتی هم در مورد زنان و هم در مورد مردان قالب و نیرومند است اما تصورات و کلیشه‌های مربوط به زنان از نظر تعداد بیشتر است.

با توجه به اینکه مطالعاتی، در زمینه کلیشه‌های جنسیتی در سایر رسانه‌های همگانی نیز در ایران انجام شده است، می‌توان به بررسی نتایج این تحقیقات با پژوهش حاضر پرداخت و به پاسخ این سؤال پرداخت که آیا همه‌ی انواع رسانه‌های گروهی، کلیشه‌های جنسیتی را بازتولید و بر ساخت می‌کنند؟

در مطالعه‌ای که به بررسی کلیشه‌های جنسیتی در صفحه حوادث روزنامه همشهری در سال ۱۳۸۸ پرداخته است، کلیشه‌های جنسیتی یافت شده و بارزترین کلیشه‌ای که در مجموع به دست آمده، این است که مردان در نقش «مهاجم و متعرض» به زنان و در مقابل زنان به صورت قربانی بازنمایی شده‌اند (معینی‌فر، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۷). نتایج پژوهش دیگری در رابطه با کلیشه‌های جنسیتی در آگهی‌های بازرگانی، نمایش زنان و مردان را در راستای نقش‌های سنتی نشان می‌دهد (حقیقی‌نسب و هدایتی، ۱۳۸۳، ص. ۳۳). نتایج پژوهش دیگری نشان می‌دهد که در سریال‌های تلویزیونی، زنان و مردان به صورت زنان و مردان سنتی کلیشه‌ای به نمایش در می‌آیند، بدین ترتیب که زنان موجوداتی فریبکار، ناقص‌العقل، بی‌وفا، منفعل و فرو دست و در مقابل مردان موجوداتی صادق، عاقل، وفادار، فعال و فرادست تصویرسازی شده‌اند (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۹).

پژوهش دیگری نیز بعد از بررسی فیلم‌های سینمایی ایرانی به این نتیجه رسید که فیلم‌های سینمایی ایرانی از طریق مناسکی کردن فرمانبری و کم ارزش جلوه دادن زنان نسبت به مردان، برتری یک جنس بر جنس دیگر را به نمایش می‌گذارند و ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی سنتی را تأیید و تثبیت می‌کنند و این همه غالباً از طریق اجرای مناسک فرودستی و فرادستی در کنش متقابل بازیگران زن و مرد در فیلم‌ها رخ می‌دهد (سلطانی گردفرامرزی، ۱۳۸۵: ۶۱).

همان‌گونه که از نتایج این مطالعات برمی‌آید، همه رسانه‌های جمعی اعم از تلویزیون، سینما، روزنامه، آگهی‌های بازرگانی و کتاب (در پژوهش حاضر) با انعکاس کلیشه‌های جنسیتی بر ادراکات و کنش‌های مخاطبان تأثیر گذاشته و منجر به انتقال و به طور خلاصه بازتولید کلیشه‌های جنسیتی می‌شوند. هم‌چنین

می توان گفت یافته های پژوهش حاضر، نظریه های حوزه ی رسانه و کلیشه های جنسیتی را مبنی بر نقش رسانه ها در تولید و بازتولید کلیشه های تفکری و بازنمایی کلیشه های جنسیتی در رسانه ها را تأیید و منجر به پذیرش صحت این نظریه ها در جامعه ی ما می شود.

به طور خلاصه باید گفت، در هر جامعه ای کلیشه های جنسیتی، صفاتی را به مردان و صفات و خصوصیات را نیز به زنان جامعه نسبت می دهد، یافته ها نشان می دهد که در جامعه ایران نیز این کلیشه ها وجود دارد و به صورت گوناگون در جامعه انعکاس می یابد و از جمله در ادبیات داستانی آل احمد، این موضوع تأیید می شود. یافته ها شاخصه ها و ویژگی های تقریباً مشابهی را در مقایسه با سایر جوامع نشان می دهد؛ به خصوص در مورد زنان کلیشه های نقش های خانوادگی، پرحرفی، انفعال، دلسوز بودن و هیجانی بودن در داستان های آل احمد تأیید می شود و در مورد کلیشه های مردان نیز بر کلیشه های پرخاشگری، عصبانیت و سلطه گر بودن مردان صحه می گذارد اما سایر کلیشه های مطرح در جهان در متن داستان ها مصداقی به دست نیاورده و بنابراین تأیید نشد.

منابع

منابع فارسی

- آذربایجان، م.، کاویانی، م.، سالاری فر، م.، موسوی اصل، م. و عباسی، ا. (۱۳۸۲). *روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی* (چاپ اول). تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- ابوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۸۰). *جامعه شناسی زنان*. (م. نجم عراقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- احمدی، ح. و گروسی، س. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه: شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن. *مطالعات زنان*، ۲ (۶)، ۳۰-۵.
- ارونسون، ا. (۱۳۶۷). *روان شناسی اجتماعی* (چاپ چهارم). (ح. شکرکن، مترجم). تهران: انتشارات رشد.
- استریناتی، د. (۱۳۸۰). *مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه* (چاپ اول). (ث. پاک نظر، مترجم). تهران: انتشارات گام نو.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *تحلیل ساختاری جنسیت*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- آل احمد الف، ج. (۱۳۴۰). *پنج داستان* (چاپ اول). تهران: انتشارات رواق.
- آل احمد ب، ج. (۱۳۸۳). *دید و بازدید عید* (چاپ اول). قم: نشر خرم.
- آل احمد پ، ج. (۱۳۷۶). *زن زیادی* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات فردوسی.
- آل احمد ت، ج. (۱۳۸۳). *سرگذشت کندوها* (چاپ اول). قم: نشر خرم.
- آل احمد ث، ج. (۱۳۷۶). *سه تار* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات فردوسی.
- آل احمد ج، ج. (۱۳۷۳). *مدیر مدرسه* (چاپ دوم). تهران: انتشارات فردوس.
- آل احمد چ، ج. (۱۳۷۲). *نفرین زمین* (چاپ اول). تهران: انتشارات فردوسی.
- آل احمد ح، ج. (۱۳۴۰). *نون و القلم* (چاپ اول). تهران: انتشارات رواق.
- بدار، د.، لامارش، ل.، و ژوزه، ل. (۱۳۸۰). *روان شناسی اجتماعی* (چاپ اول). (ح. گنجی، مترجم). تهران: نشر ساوالان.

- حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- بستان، ح. (۱۳۸۵). بازنگری نظریه های نقش جنسیتی. *پژوهش زنان* ۴ (۱) و (۲)، ۳۱-۵.
- حقیقی نسب، م. و هدایتی، ش. (۱۳۸۴). بررسی تصویر سازی نقش جنسیت در آگهی های بازرگانی
 سیمای جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات زنان*، ۳ (۷)، ۳۳-۵۰.
- خسروی، ز.، رفعتی، م. و فروزش، ن. (۱۳۸۲). *مبانی روان شناختی جنسیت* (چاپ اول). تهران: موسسه
 قصیده سرا، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خمسه، ا. (۱۳۸۳). بررسی طرحواره های نقش جنسیتی و کلیشه های فرهنگی در دانشجویان دختر.
مطالعات زنان، ۲ (۶)، ۱۱۵-۱۳۴.
- دی فلور، م. و دنیس، ا. (۱۳۸۳). *شناخت ارتباط جمعی*. (چاپ اول). (س. مرادی، مترجم). تهران:
 انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- ذکایی، م. و میرزایی، س. (۱۳۸۴). پسرهای جوان و ارزش های مردانگی - پژوهشی در بین دانش آموزان
 متوسطه شهر تهران. *مجله جامعه شناسی ایران*، ۶ (۳)، ۹۶-۷۰.
- رضایی، م. و غلام رضا کاشی، م. ج. (۱۳۸۵). چالش های بازتولید هژمونی دولت از طریق گفتمان مدرسه.
مجله انجمن جامعه شناسی، ۶ (۴)، ۳۴-۵۸.
- روشبلو، آ. و بورونیون، ا. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر نظریه ها و آیین ها در روان شناسی اجتماعی (چاپ اول).
 (م. دادگران، مترجم). تهران: انتشارات مروارید.
- ریاحی، م. ا. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی (مطالعه موردی جوانان
 کارآموز در مراکز آموزش فنی و حرفه ای استان مازندران). *پژوهش زنان*، ۵ (۱)، ۱۳۶-۱۰۹.
- ساروخانی، ب. (۱۳۴۸). عقاید قالبی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱ (۳)، ۱۱۷-۱۱۱.
- سفیری، خ. و ایمانیان، س. (۱۳۸۸). *جامعه شناسی جنسیت* (چاپ اول). تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- سلطانی گرد فرامرزی، م. (۱۳۸۵). نمایش جنسیت در سینمای ایران. *پژوهش زنان*، ۱۴، ۹۲-۶۱.
- شیبلی هاید، ج. (۱۳۸۷). *روان شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری* (چاپ دوم). (ا. خمسه، مترجم).

تهران: نشر آگه.

صادقی فسایی، س. و کریمی، ش. (۱۳۸۴). کلیشه های جنسیتی سریال های تلویزیونی ایرانی. پژوهش

زنان، ۳ (۳)، ۵۹-۸۹.

گالاگر، ما. (۱۳۸۰). زن و صنایع فرهنگی، صنایع فرهنگی مانعی بر سر راه آینده فرهنگ. (م. وحدتی،

مترجم). تهران: موسسه پژوهشی نگاه معاصر.

گرت، ا. (۱۳۸۰). جامعه شناسی جنسیت (چاپ اول). (ک. بقایی، مترجم). تهران: نشر دیگر.

گولومبوک، س. و فیوش، ر. (۱۳۸۴). رشد جنسیت (چاپ سوم). (م. شهرآرای، ترجمه). تهران: انتشارات

ققنوس.

گیدنز، آ. (۱۳۷۸). جامعه شناسی. (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.

فلیک، ا. (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی (چاپ دوم). (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.

میشل، آ. (۱۳۷۶). پیکار با تبعیض جنسی (چاپ اول). (م. ج. پوینده، مترجم). تهران: انتشارات نگاه.

ناجی راد، م.ع. (۱۳۸۲). موانع مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب (چاپ

اول). تهران: انتشارات کویر.

نرسیسیانس، ا. (۱۳۸۳). مردم شناسی جنسیت. تهران: نشر افکار، سازمان میراث فرهنگی کشور،

پژوهشکده مردم شناسی.

هولستی، ال.آر. (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی (چاپ دوم). (ن. سالارزاده امیری،

مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

هومین فر، ا. (۱۳۸۲). تحول جامعه پذیری جنسیتی، پژوهش زنان، ۷، ۸۹-۱۱۴.

منابع لاتین

Browne, K. (1998). *An introduction to sociology*. Polity Press.

Gallagher, M. (1981). *Unequal opportunities: The case of women and the Media*. Paris.

Retrieved from <http://dspace.ucab.edu.ve/handle/123456789/32079>

- Hall, S. (1980). *Culture, media, language: Working papers in cultural studies, 1972-79*. London; [Birmingham, West Midlands]: Hutchinson; Centre for Contemporary Cultural Studies, University of Birmingham.
- Hall, S. (2011). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. London: SAGE Publications.
- Stanley, L., & Wise, S. (2002). What's wrong with socialisation?. In S. Jackson and S. Scott (Eds.), *Gender: A sociological reader*. (pp. 273–279). London: Routledge.
- Williams, J. E., & Best, D. L. (1982). *Measuring sex stereotypes: A thirty-nation study*. Sage Publications.

پی‌نوشت‌ها

- 1 Andre Michelle
- 2 Susan Golombok, Robyn Fivush
3. Williams and Best
4. Forsyth
5. Gender Schema Theory
- 6 Janet Shibley Hyde
7. Sandra Bem
8. Gender Socialization Theory
- 9 Pamela Abbott, Claire Wallace
- 10 Anthony Giddens
- 11 Liz Stanley and Sue Wise
- 12 Browne, Ken
- 13 Stephanie Garrett
14. Stuart Hall
- 15 . Gallagher.M
16. Baehr. H
17. Ole R. Holsti
18. Uwe Flick